

## پژوهش‌های فرایندمدار: حلقه مفقوده مطالعات ترجمه در ایران

کامران شیروانی\*

مریی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائم‌شهر، ایران

(تاریخ دریافت: 89/3/1، تاریخ تصویب: 90/6/16)

### چکیده

نگاهی به فعالیت‌های پژوهشگران در زمینه مطالعات ترجمه در ایران به ویژه در سال‌های اخیر، نشانگر آنست که تحقیقات در این زمینه به لحاظ کمی و کیفی روند رو به رشدی داشته‌است. نگاهی دقیق‌تر به این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که غالب این پژوهش‌ها در یکی از این سه گروه جای می‌گیرند: (1) پژوهش‌هایی با رویکرد زبان‌شناختی، (2) تحقیقاتی با گرایش‌های فرا یا غیر زبان‌شناختی و (3) مطالعات نظری که پرداخت این گروه بیشتر به ترجمه است تا تربیت مترجم. مقاله حاضر با در نظر گرفتن این حقیقت از یک سو و از سویی دیگر با در نظر گرفتن گسترش گرایش مترجمی در همین دهه، به توصیف چشم‌انداز فعلی مطالعات ترجمه می‌پردازد و با نگاهی موشکافانه خلا و نیاز پژوهشی موجود را برجسته و شفاف تبیین می‌کند که همان پژوهش‌های فرایندمدار است. با ارایه چارچوب و تشریح پژوهش‌های فرایندمدار، مقاله حاضر می‌کوشد تا جایگاه پژوهشی و موقعیت کاربردی این دسته از پژوهش‌ها را در شرایط کنونی مطالعات ترجمه ایران تبیین نماید.

**واژه‌های کلیدی:** پژوهش فرایندمدار، مطالعات ترجمه، پژوهش همبستگی، تحقیق مشاهده‌ای، تحقیق تجربی.

## مقدمه

در دهه 1380، در مقایسه با سال‌های پیش از آن، به لطف فراهم آمدن بستر مناسب پژوهشی در دانشگاه‌های کشور که خود حاصل دوراندیشی برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران آموزش عالی است، گستره مطالعات ترجمه شاهد شکوفایی و بالندگی نسبی در زمینه انجام پژوهش، نظریه‌پردازی و نقد بوده‌است. حاصل این پژوهش‌ها سهم درخور خود را در همایش‌های ملی و منطقه‌ای و نیز نشریات علمی-پژوهشی داشته‌است و این سهم در طول این دهه - هر چند به آرامی - رو به افزایش بوده است.

مقاله حاضر می‌کوشد در این پایانی‌ترین سال دهه 1380، نگاهی به پژوهش‌های انجام شده در زمینه مطالعات ترجمه، به دسته‌بندی و ترسیم نقشه فعلی این پژوهش‌ها بپردازد و با در نظر گرفتن گرایش‌ها و پژوهش‌های جهان گستره مطالعات ترجمه از یک سو و موقعیت نیازمندی‌های پژوهشی ترجمه در ایران از سوی دیگر، به ترسیم چشم‌اندازی نو بپردازد.

با توجه به ادبیات موجود در گستره ترجمه، طبقه‌بندی‌های مختلفی از شیوه‌ها و انواع پژوهش در این زمینه وجود دارد؛ بطوری که به نظر می‌رسد حتی نگرش یکسانی به این مسئله موجود نیست. به عنوان مثال نگاه ویلیامز و چسترمن (2002) به دسته‌بندی انواع پژوهش‌های ترجمه اگرچه تا حدی مشابه طبقه‌بندی هولمز (1972 و 1988) است، اما از جنبه‌های متعددی نیز تفاوت اساسی دارد. نمونه دیگر برای عدم توافق دسته‌بندی‌های موجود از پژوهش‌های گستره مطالعات ترجمه، طبقه‌بندی حتمیم (2001) از مفاهیم، موضوعات و الگوهای پژوهش در ترجمه است که به نظر می‌رسد بیش‌تر تحت تأثیر گستره زبان‌شناسی کاربردی باشد، تا ماهیت میان رشته‌ای مطالعات ترجمه.

شاید به همین دلیل، تحقیقاتی که به بررسی و نقد روش‌شناختی پژوهش‌ها در زمینه ترجمه می‌پردازند و یا با دیدی کلان‌نگر درباره وضعیت و جایگاه جاری مطالعات ترجمه تأمل می‌کنند، به این دسته‌بندی‌ها چندان وفادار نیستند و می‌کوشند در سایه هدف و مسئله‌ای که بیان می‌کنند طبقه‌بندی مناسبی را ارائه دهند. پژوهش حاضر نیز که بررسی وضعیت گرایش‌های پژوهشی موجود در گستره مطالعات ترجمه ایران در دهه 1380 می‌پردازد، نمی‌تواند خود را به یکی از این طبقه‌بندی‌های پیشنهادی که بیش‌تر جنبه آموزشی دارند محدود کند.

تحقیقات دیگری که مشابه با مطالعه حاضر در سایر نقاط جهان انجام گرفته نیز رویکردی مشابه داشته‌اند و خود را به دسته‌بندی‌های پیشنهادی که پیش‌تر به نمونه‌هایی از آن

اشاره شد، محدود نکرده‌اند. برای نمونه، هو (2005) به بررسی موضوعات پایان‌نامه‌های مطالعات ترجمه در دو دانشگاه تایوان پرداخت. این مطالعه نشان داد که غالب آن‌ها به ترجمه‌های ادبی و نقد ترجمه مربوط می‌شوند و حتی یک پایان‌نامه هم به نظریه ترجمه نمی‌پردازد. در نقد ترجمه هم تنها تعداد معدودی در زمینه‌های نظری، مثل ساختارشکنی مورد توجه بوده‌اند. لیاو (2007) به بررسی 18 پایان‌نامه انجام شده و 46 مقاله منتشر شده توسط محققان تایوانی در زمینه ترجمه شفاهی بین سال‌های 1991 تا 2004 پرداخت و با اتخاذ دسته‌بندی کمی-کیفی به بررسی و تحلیل کاستی‌های مطالعات انجام‌گرفته پرداخت. در مطالعه‌ای دیگر، یوان و تانگ (2007) به مطالعه روش‌شناختی 1610 پژوهش انجام‌گرفته در گستره مطالعات ترجمه توسط محققان چینی در طول سال‌های 2001 تا 2006 پرداختند. این مطالعه با استفاده از روش تحلیل فراوانی نشان داد که در مطالعات ترجمه چین، پرسامدترین مفاهیم و کلمات کلیدی ترجمه انگلیسی، فرهنگ، نظریه ترجمه، ترجمه شفاهی و فناوری بوده است.

پژوهش حاضر نیز به نوعی در راستای پژوهش‌های فوق‌گام برمی‌دارد و هدف آن توصیف وضعیت مطالعات ترجمه ایران در دهه 1380 و تبیین جایگاه پژوهش فرایندمدار در این دوره است. به این منظور، این تحقیق با اتخاذ رویکردی توصیفی و تحلیلی، از قالب‌های موجود که به مطالعات ترجمه در سطح کلان آن می‌نگرند، استفاده نمی‌کند و رویکردی اختصاصی را در پیش می‌گیرد که شرح آن در ادامه می‌آید.

### بحث و بررسی

بررسی مقالات ارائه شده توسط محققان ایرانی در همایش‌ها و نشریات علمی-پژوهشی حاکی از آن است که عمده این مطالعات در یکی از سه گروه زیر جای می‌گیرد:

#### 1- پژوهش‌هایی که رویکردی زبان‌شناختی به ترجمه دارند.

این پژوهش‌ها از قالب و نظریات موجود زبان‌شناسی برای ارزیابی آثار ترجمه شده موجود استفاده می‌کنند. برای مثال می‌توان به پژوهش فرحزاد و مدنی (1388) با عنوان «ایدئولوژی و ترجمه: مطالعه موردی» اشاره کرد که آنان به بررسی نفوذ ایدئولوژی‌های جاری در سه دوره مختلف تاریخی بر ترجمه رمان آمریکایی «بربادرفته» نوشته مارگارت میچل در چارچوب تحلیل انتقادی گفتمان پرداخته‌اند. در این تحقیق که به صورت مقابله‌ای و در زمانی انجام شد، ترجمه‌های این رمان در سه دوره مختلف پیش از انقلاب (دهه 50) و پس از

انقلاب (دهه‌های 60 و 80) انتخاب شد. پس از بررسی در سطوح خرد و کلان، محققان به این نتیجه دست یافتند که نفوذ ایدئولوژی‌های حاکم در این سه دوره تاریخی - اجتماعی در ترجمه‌های سه‌گانه این اثر به وضوح مشهود است.

پژوهش غلامی و سعیدی (1388) با عنوان «نقد ترجمه داستان درس‌های فرانسه از دیدگاه نظریه سخن‌کاوی: بررسی موردی سبک لحن، نشانه‌های سجاوندی» را می‌توان نمونه دیگری از این دسته پژوهش‌ها به شمار آورد. در این مقاله محققان کوشیدند تا در چارچوب زبان‌شناسی مقابله‌ای و نظریه سخن‌کاوی، به نقد ترجمه مریم شفق‌ی از داستان «درس‌های فرانسه» نوشته والتین راسپوتین پردازند. نتایج این بررسی نشان داد که ترجمه مورد نظر ایشان درباره ترجمه سبک اثر موفق بود، اما در انتقال لحن شخصیت‌ها و توجه کافی به نشانه‌های سجاوندی موفق نبوده است.

2- پژوهش‌هایی که به نقد آثار ترجمه شده می‌پردازند و قالبی فراتر یا غیر از قالب‌های زبان‌شناختی برمی‌گزینند.

در این نوع پژوهش‌ها به جنبه‌های دیگر نظریه‌های ترجمه از قبیل دیدگاه‌های مردم‌شناختی، فرهنگی - اجتماعی و یا تاریخی آثار ترجمه شده توجه می‌شود. به عنوان نمونه، پژوهش درخشان مقدم و نارنجی (1387) با عنوان «بررسی ترجمه‌های مختلف قرآن به زبان آلمانی» نمونه‌ای از این دسته پژوهش‌هاست که در آن محققان به نقد و بررسی سه ترجمه شاخص قرآن به زبان آلمانی توسط سالمون شوایگر، دیوید فریدریش مگرلین و فریدریش بکرت با تمرکز بر سورة حمد پرداختند. در این نقد به عناصر غیر زبان‌شناختی، مثل اوضاع و جو سیاسی حاکم در زمان ترجمه و نیز سیر تکامل آن‌ها از قرون وسطی به دوره روشنگری و بعد از آن توجه شده است. به علاوه، محققان به عناصری از قبیل سبک و روش و امانتداری در برگردان ساختار نحوی و معنایی نیز بها داده‌اند.

پژوهش ایجاد (1388) با عنوان «نقد پسااستعماری بر چگونگی ترجمه دیوان حافظ» را می‌توان نمونه دیگری از این دسته تحقیقات دانست. در این مقاله محقق کوشید تا از زاویه دید مطالعات پسااستعماری و تاریخی به بررسی و نقد ترجمه‌های انگلیسی موجود از اشعار حافظ پردازد. وی پس از ارائه تاریخ ترجمه دیوان حافظ، پنج الگوی قوم‌مدارانه در ترجمه این اثر که منتج به بازنمایی غیر واقعی و مخدوش حافظ به لحاظ تاریخی، فرهنگی و ادبی شده را معرفی می‌کند.

3- پژوهش‌هایی که با رویکرد نظریه‌پردازی در گستره مطالعات ترجمه انجام می‌شود.

این دسته از پژوهش‌ها با مرور خط‌مشی نظریه‌پردازان گذشته، به تحلیل رویکردهای آنان پرداخته و با تقابل و تضارب آرای موجود و گاهی با افزودن نتایج پژوهش‌های اخیر به ارایه چارچوب نظری و یا معرفی خط‌مشی نو در زمینه‌ای خاص از قبیل نقد و یا تربیت مترجم و آموزش ترجمه می‌پردازند. مقاله محمدی (1388) با عنوان «رویکردی انسان‌شناختی به تعامل فرهنگ و ترجمه: کاربردهای آموزشی و پژوهشی برای تربیت مترجم» را می‌توان در زمره این آثار قلمداد کرد. این مقاله با رویکردی تحلیلی و تطبیقی دیدگاه‌های ترجمه‌شناسان و مترجمان را درباره چگونگی هم‌کنشی فرهنگ و ترجمه تجزیه و تحلیل کرده است. محقق در بیان نتیجه مطالعه خود اشاره می‌کند که فرهنگ در کانون عوامل مؤثر بر کاربرد موفق زبان در عالم ترجمه قرار دارد و باعث کشف، گسترش، رشد و اعتلای امکانات و روش‌ها و راهبردهای ترجمه‌ای مترجم می‌گردد و رابطه‌های علی و معلولی بین فرهنگ و ترجمه وجود دارد. بنابراین تربیت مترجم باید در برگیرنده مطالعه فرهنگ جامعه‌ای باشد که زبان از آن ریشه می‌گیرد و در آن بکار برده می‌شود. لازمه چنین رویکردی بازنگری و تحول در ابعاد گوناگون نظام تربیت مترجم، از قبیل تهیه و تدوین مطالب درسی، برنامه‌ریزی آموزشی و پژوهشی و آموزش زبان با هدف تربیت مترجم خواهد بود.

مقاله خان‌جان و میرزا (1386) با عنوان «بینامتنیت و پیامدهای نظری آن در ترجمه» را می‌توان نمونه دیگری از این دسته مطالعات دانست. نگارندگان این مقاله ضمن بازخوانی نظریه بینامتنی و ردیابی آن در آثار باختین و بارت، پیامدهای ضمنی آن را در ترجمه بررسی می‌کنند و آن‌ها را در قالب‌های نظریه و عمل تشریح می‌کنند.

### لزوم توجه به پژوهش‌های فرایندمدار

آنچه تا به این جا ارایه شد، دسته‌بندی پیشینه مطالعات انجام شده در گستره ترجمه در دهه 1380 بوده است. البته می‌توان پژوهش‌های انجام شده را به اشکال دیگری هم طبقه‌بندی کرد؛ اما آن‌چه ارایه گردید در راستای هدف این مقاله بوده است. نکته‌ای که در رابطه با پژوهش‌های مطالعات ترجمه در ایران اهمیت دارد، توجه به آموزش ترجمه و تربیت مترجم است. در سال‌های اخیر گرایش مترجمی زبان چنان در ایران گسترش یافته است که بیشتر استادانی که تخصص چندانی در زمینه ترجمه ندارند، به ناچار به ارایه درس تخصصی و تربیت مترجمان مشغول گشته‌اند. این وضعیت چنان محسوس است که نیازی به ارایه آمار و ارقام و یا حتی اقدامی برای جمع‌آوری آمار لازم از سوی یک مرجع قانونی یا علمی ندارد.

نکته‌ای که هدف اصلی و محور ثقل این مقاله است، در همین نکته ظریف نهفته است. نکته این‌جاست که پژوهش‌های مربوط به آموزش ترجمه و تربیت مترجم در ایران متناسب و هماهنگ با گسترش فراگیر گرایش مترجمی در ایران نبوده است. به عبارت دیگر، محققان گستره مطالعات ترجمه بیشتر به ترجمه پرداخته‌اند، تا تربیت مترجم. حال آن‌که در فضای ترجمه ایران تربیت مترجم هیچ‌کم‌تر از نقد و بررسی آثار ترجمه شده و یا نظریه‌پردازی در حوزه ترجمه نیست.

اگر پژوهش‌های ترجمه در ایران را با تحقیقات منتشر شده در نشریات معتبر علمی-پژوهشی و سایر منابع مطالعات ترجمه در جهان کنار هم بگذاریم، علاوه بر سه نوع مطالعات ذکر شده در بخش قبل شق چهارمی هم به چشم می‌آید که همان پژوهش‌های فرایندمدار در حوزه ترجمه است. پژوهش‌های فرایندمدار در زمینه ترجمه را می‌توان به طیف گسترده‌ای از تحقیقات نسبت داد که به خاطر روش تحقیق و شرایط حاکم بر آن از گروه‌های سه‌گانه مذکور متفاوت‌اند. با وجود تنوع ظاهری این پژوهش‌ها، می‌توان گفت که هدف غایی این مطالعات یافتن قواعد حاکم بر بروز پدیده‌هاست، به طوری که محقق بتواند در نهایت نتایج این پدیده‌ها را پیش‌بینی کند تا یا رابطه‌ای - در صورت امکان علی و معلولی - بین رویدادها برقرار سازد یا حداقل عوامل حاکم بر رویدادهای مورد نظر را شناسایی کند و توضیح دهد (هانسن 2005).

برای مثال، پژوهشگری مشاهده می‌کند که اغلب دانشجویان سال اول گرایش مترجمی، به روساخت جمله بیش‌تر توجه می‌کنند و در مورد هر کلمه یا عبارتی که از معنایش اطمینان ندارند، به فرهنگ لغات مراجعه می‌کنند. می‌توان پیش‌بینی کرد که درباره جملاتی که برای ترجمه آن نیاز به درک زیرساخت جمله است این شاگردان موفق نخواهند بود. در این‌جا حاصل کنجکاوای پژوهشگر درباره فرایند و نه محصول ترجمه به این پرسش می‌انجامد که آیا چیزی هست که مترجمان قوی را از مترجمان ضعیف‌تر متمایز سازد؟ اگر چنین است، آیا می‌توان آن را تعلیم داد؟

چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، پژوهش‌های فرایندمدار طیف وسیعی از پژوهش‌ها را در بر می‌گیرند که لازم است این نوع چهارم را به دسته‌های خردتر تقسیم کنیم و به طور مشروح به روش‌شناسی انواع آن بپردازیم.

## انواع پژوهش‌های فرایند مدار

با نگاهی به گزارش‌های پژوهش‌های فرایندمدار منتشر شده در نشریات علمی- پژوهشی و سایر منابع مرتبط با مطالعات ترجمه می‌توان آن‌ها را در قالب‌های پژوهش همبستگی، مشاهده‌ای و تجربی طبقه‌بندی نمود که در ادامه می‌آید.

### 1- پژوهش همبستگی

در این دسته از پژوهش‌ها، رابطه بین دو متغیر به صورت آماری نشان داده می‌شود، به عبارت دیگر نتایج نشان می‌دهد که هر متغیر چه‌گونه به متغیر دیگر وابسته است. به عنوان مثال، دلینجر (1989) در پایان‌نامه دوره دکتری خود به فرایندهای ترجمه شفاهی پرداخت. دو گروه، یکی مترجمان کارآموز و دیگری افراد دوزبانه‌ای که تجربه ترجمه شفاهی را نداشتند، در این پژوهش شرکت کردند. وی از آن‌ها خواست که دو متن، یکی داستانی و دیگری علمی را به طور شفاهی ترجمه کنند و پس از ترجمه، هر آن‌چه را که از آن دو متن به خاطر می‌آورند، بازگو کنند. هدف وی مطالعه رابطه بین تجربه ترجمه و متغیرهای مربوط به ساختار متن بود. نتایج نشان داد که (1) گرچه تجربه با صحت ترجمه شفاهی در ارتباط است، اما با یادآوری متن ترجمه شده ارتباطی ندارد و (2) ساختار متن به طور چشمگیری هم با صحت ترجمه شفاهی و هم با یادآوری مطالب ترجمه شده مرتبط است.

در مطالعه دیگری، دانست (1994) نتایج آزمون‌های 20 دانشجوی مترجمی را در چهار آزمون مختلف بررسی کرد. انواع این آزمون‌ها عبارت بودند از ترجمه یک متن، درک مفاهیم همان متن، دانش غیرزبانی (عمومی) مربوط به موضوع همان متن و توانش زبان مبدا. نتایج این پژوهش نشان داد که در مقایسه با دانش غیرزبانی (عمومی) رابطه توانش زبانی با ترجمه و درک مفاهیم متن بیش‌تر است و این یافته در حالی است که متن مذکور سرشار از درون‌مایه‌های فرهنگی بوده و مترجم می‌بایست برای ارائه ترجمه‌ای همگون به دانسته‌های پیشین خود تکیه کند.

در ارتباط با این دسته از پژوهش‌ها، باید چند سؤال را پیوسته در ذهن داشت؛ حداقل چند بار باید رویدادی را مشاهده کرد تا پایایی یافته‌ها مشخص شود؟ چند بار باید این مطالعه را تکرار کرد تا روایی آن به دست آید؟ و این‌که آیا هر رابطه‌ای بین دو یا چند رویداد، اساس محکمی برای قضاوت‌های بعدی خواهد بود؟ برای مثال آیا می‌توان بر اساس نتایج مطالعه دانست (1994) نتیجه گرفت که بدون توانش زبانی قوی در زبان مبدا، ترجمه ممکن نیست؟

بنابراین باید پیوسته به خاطر داشت که پژوهش‌های همبستگی تنها بازتابنده تمایلات موجود بین متغیرهایند.

## 2- پژوهش‌های مشاهده‌ای

این رویکرد برای توصیف رفتار افراد حین انجام فعالیتی بکار می‌رود. در این‌جا لازم است که این نوع پژوهش را از تحقیق‌های تجربی که در ادامه خواهد آمد، تفکیک کنیم. از نظر گایل (1991) پژوهش مشاهده‌ای، تنها صرف توصیف است، ولی پژوهش تجربی، بر پیش‌بینی و انتظارات پژوهشگر استوار است و محقق پیوسته فرضیاتی را مطرح می‌کند تا پدیده مورد نظر خود را توضیح دهد یا توجیه کند.

پژوهش‌های مشاهده‌ای، رایج‌ترین رویکرد در میان انواع تحقیقات فرایندمدار در زمینه مطالعات ترجمه است. این رویکرد ریشه در مطالعات‌شناختی و روان‌شناسی زبان دارد؛ چنان‌که پژوهش‌هایی درباره راهبردهای خواندن توسط اسکار، داملیا و بریتر (1984) و هارتمن (1990) و یا درباره خلاصه‌نویسی توسط گرانث (1992) از جمله مطالعات کلاسیکی‌اند که از این رویکرد بهره جسته‌اند. در تمام این مطالعات تمرکز پژوهشگر روی نتیجه فعالیت نیست بلکه هدف بررسی فرایندهای ذهنی افراد حین پردازش داده‌های مربوط به فعالیت مورد نظر است.

دشواری‌ترین بخش این شیوه تحقیق ثبت و ضبط داده‌هاست که می‌تواند همان رفتارها، گفتارها و یا نتایج فعالیت‌ها باشد. نکته این‌جاست که دسترسی به آنچه که واقع در ذهن افراد در حین انجام یک فعالیت می‌گذرد، آسان نیست. نگاهی به مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که عملی‌ترین راه، بکارگیری گزارش‌های فکرگویی است. در گستره مطالعات ترجمه این شیوه ابتدا در آلمان توسط ساندروک (1982) و سپس در فنلاند توسط تریکونن (1989) بکار گرفته شد. سگینو (1989) در کانادا عنصر جدیدی به این شیوه افزود. وی با استفاده از دوربین فیلمبرداری، به ضبط داده‌ها پرداخت که این خود سبب شد تا محقق داده‌هایی از قبیل زمان صرف شده برای انجام هر خرده فعالیت مانند پاک کردن کلمات، جایگزین کردن کلمات و مکث‌ها را به دقت ثبت نماید.

مطالعاتی که بر فکرگویی تکیه می‌کنند، دو محدودیت مهم دارند. نخست آن‌که فرایندها به طور غیر مستقیم مورد مطالعه قرار می‌گیرند؛ بنابراین نتایج پژوهش تا حدی به استنباط محقق از کردار و گفتار افراد وابسته است. البته این مساله چنان‌که سایمون و اریکسون



(2002) عنوان می‌دارند، با همراه کردن مصاحبه‌ها یا پرسش‌نامه‌های پس‌نگر قابل حل است، چرا که این ابزار با تمرکز بر نقاطی خاص اطلاعاتی دقیق‌تر در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهند و زمینه تفسیر معتبرتری را فراهم می‌آورند. محدودیت دوم از فضای مطالعه ناشی می‌شود؛ به این معنا، محیطی که در آن پژوهشگر داده‌های لازم را جمع‌آوری می‌کند اغلب قابل مقایسه با محیط طبیعی نیست و اغلب کنترل شده است. به همین دلیل پژوهشگر می‌بایست هر چه بیش‌تر بکوشد تا محیط و فضای مشاهده را به فضای طبیعی ترجمه نزدیک‌تر نماید.

با وجود این محدودیت‌ها پژوهش‌های مشاهده‌ای شناسایی، تعریف و توصیف عناصر ترجمه را مقدور ساخته‌اند. از جمله مطالعاتی که با این رویکرد صورت پذیرفته است تحقیق برناردینی (2001) است. وی با تکیه بر فکرگویی به بررسی فرایندهای ذهنی چهار مترجم و مدرس درس ترجمه دانشگاه بولونیای ایتالیا حین ترجمه دو متن از ایتالیایی به انگلیسی و بلعکس می‌پردازد و این مترجمان مجرب را از نظر بکارگیری منابع، راهبردهای بکارگرفته شده و زمان سپری شده برای هر کدام از این موارد مورد مطالعه قرار می‌دهد. مطالعه شیروانی و رنجبر (1389) که به توصیف و دسته‌بندی راهبردهای دانشجویان مترجمی زبان انگلیسی می‌پردازد نمونه دیگری از این دسته از مطالعات است که با تکیه بر فکرگویی و مصاحبه پس‌نگر انجام شده است. ایشان پس از بررسی گزارش فکرگویی دانشجویان حین ترجمه متون علمی از انگلیسی به فارسی راهبردهای آنان را در قالب‌های راهبردهای شناختی، فراشناختی، جمعی و عاطفی طبقه‌بندی نمودند.

### 3- پژوهش‌های تجربی

رویکرد تجربی بیش‌تر با توضیح پدیده همراه است؛ به این معنا که پژوهشگر با گماردن محدودیت‌هایی از قبیل نوع متن، شرکت دادن گروه‌های مختلف، تکیه بر پیشینه فرهنگی متفاوت و امثال آن بر متغیر مورد مطالعه می‌کوشد تا عوامل کلیدی و تأثیرگذار را شناسایی و نقش آن‌ها را توضیح دهد. این نوع پژوهش پیوسته با طرح فرضیه همراه است. نکته اساسی آن است که متغیرها به درستی تعریف و تبیین شوند چنان‌که پریگوگین و استجر (1988) عنوان می‌دارند، هر متغیر باید در مقابل متغیر دیگر تثبیت شود، یعنی با تعریف جامع و مانع حدود عملیاتی و اجرایی و اندازه‌گیری هر متغیر تعیین گردد تا به این دسته از مطالعات خاصیت تکرارپذیری دهد.

از این دسته از مطالعات می‌توان به مطالعه لوشر (1993) درباره نقش تجربه مترجم در

انتخاب راهبردهای ترجمه اشاره کرد. وی با مطالعه دو گروه و انتخاب تجربه حرفه‌ای به عنوان متغیر مستقل و نوع راهبردهای ترجمه به عنوان متغیر وابسته درمی‌یابد که اختلاف معناداری بین مترجمان حرفه‌ای مجرب و غیر حرفه‌ای وجود دارد، به این معنا که مترجمان مجرب متن ترجمه شده را بیش‌تر از لحاظ ویژگی‌های سبکی و متنی ویرایش می‌کنند، در حالی که مترجمان غیر حرفه‌ای بیشتر به صحت معانی واژگان و چینش دستوری جملات می‌پردازند و کم‌تر به معیارهای سبکی و متنی توجه دارند.

پژوهش‌های فرایندمدار که انواع آن توضیح داده شد در مقایسه با سه نوع پژوهشی که در بخش بحث و بررسی این مقاله به آن پرداخته شد، ارتباط مستقیم و بسیار نزدیکی با مسایل مربوط به آموزش و تربیت مترجم دارند و با وجود گستردگی فعالیت‌های مربوط به آموزش و ارزشیابی ترجمه و تربیت مترجم در ایران به این نوع پژوهش‌ها پرداخته نمی‌شود؛ در حالی که نتایج و یافته‌های این دسته از پژوهش‌ها می‌تواند به طور مستقیم باعث بالندگی، اثربخشی و کارایی برنامه‌های آموزشی و دوره‌های مرتبط با آن گردد. اختصاص سهم قابل توجهی از مقالات، پایان‌نامه‌ها و طرح‌های پژوهشی به تحقیقات فرایندمدار می‌تواند یکی از ساده‌ترین و در عین حال کارآمدترین راه‌ها باشد.

نکته دیگری که در همین راستا شایان ذکر است، اشاره به پژوهش‌های مربوط به ترجمه ماشینی است. پژوهش‌های مربوط به ترجمه ماشینی نیز نوعی پژوهش فرایندمدار است که نگارنده این مقاله با توجه به فضای پژوهشی و بستر موجود در دانشگاه‌های ایران به آن نمی‌پردازد. چرا که هدف این مقاله آرایه چشم‌اندازی از وضعیت فعلی مطالعات ترجمه در ایران و خاطر نشان کردن وجود خلایبی است که چرخه پژوهش و کاربرد را عقیم کرده است. تحقیق در گستره ترجمه ماشینی در مقایسه با سایر پژوهش‌های فرایندمدار به دلایل زیر با مسیری پر مصایب روبه‌روست که از نظر نگارنده این مقاله مجال و بحث و مذاقه‌ای جداگانه می‌طلبد.

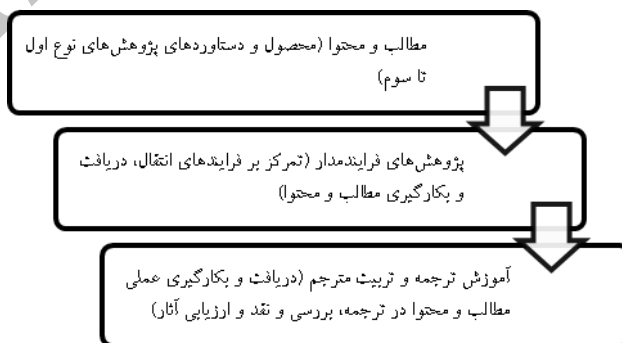
پژوهش‌های گستره ترجمه ماشینی در اساس گستره‌ای میان‌رشته‌ای است که انجام هر طرح مرتبط با آن در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی نیازمند همکاری محققانی با تخصص‌های مختلف از گروه‌های آموزشی مختلف و گاهی از دانشگاه‌های مختلف است. با توجه به سابقه پژوهش‌های انجام شده در گستره زبان‌شناسی و مطالعات ترجمه در ایران گرایشی در این رابطه مشاهده نمی‌شود.

چنین پژوهش‌هایی اغلب بلند مدت‌اند و نیازمند صرف هزینه‌های کلان از یک سو و

ثبات حمایت مدیران میان‌رتبه و عالی‌رتبه از سویی دیگر است. از طرفی اگر به این موارد این حقیقت را بیافزاییم که اغلب مراکز آموزشی و پژوهشی بودجه محدودی برای امور تحقیقاتی در اختیار دارند، می‌توان درک کرد که تولد و حیات پژوهش‌های مرتبط با ترجمه ماشینی با چه مصایبی روبه‌روست.

### نتیجه

براساس آنچه در بخش‌های پیشین این مقاله آمد، این حقیقت که تحقیقات فرایندمدار حلقه مفقوده پژوهش‌های گستره مطالعات ترجمه در ایران است شفاف‌تر به نظر می‌آید. آنچه دستاوردهای پژوهش‌های نوع اول تا سوم می‌باشد در حقیقت همان اطلاعات و مطالب و محتوایی است که باید در دوره‌های آموزش ترجمه و تربیت مترجم به دانشجویان منتقل شود. حقیقت این است که در این رابطه کمی و کاستی در حوزه مطالعات ترجمه به چشم نمی‌آید و روند رو به‌رشد انواع این پژوهش‌ها حاکی از جریانی مثبت و بالنده هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی است. اما نکته کلیدی که مقاله حاضر سعی در جلب توجه صاحب‌نظران به آن را دارد این است که هر اندازه که به این دسته از پژوهش‌ها پرداخته شد، از پژوهش‌های فرایندمدار غفلت شد. پیوسته به این مسایل پرداخته شد که دیدگاه‌های روزآمدتر، نقدهایی به‌سامان‌تر و الگوهایی کارآمدتر در بررسی آثار به کار گرفته شود ولی به این پرسش توجه نشد که چگونه باید این دستاوردها به دانشجویان منتقل شود؟ چگونه مترجمانی تربیت کنیم که کارآمدتر و مطلع و مسلط به این یافته‌ها باشند؟ آنچه پژوهش‌های فرایندمدار را از انواع دیگر پژوهش‌های مذکور متمایز می‌کند نقش ارتباطی و تکمیلی آن است که در شکل زیر آمده است.



مادامی که جریان غفلت از پژوهش‌های فرایندمدار ادامه یابد، برنامه‌های آموزش ترجمه و تربیت مترجم، به‌ویژه در مقاطع کارشناسی و کاردانی در سراسر کشور که امروز از گستردگی تحسین برانگیزی برخوردار است، کارایی درخور خود را به‌دست نخواهد آورد که کمینه پیامد آن بی‌تفاوتی نسبت به این دوره‌ها و دستاوردهای پژوهشی استادان آن و سبک انگاشتن و مهجور ماندن زحمات و کوشش‌های محققان گستره مطالعات ترجمه خواهد بود.

### Bibliography

- Bernardini, S. (2001). Think-aloud Protocols in Translation Research: Achievements, Limits, Future Prospects. *Target*, 13 (2), 241-236.
- Dancette, J. (1994). Comprehension in the Translation Process: An Analysis of Think-Aloud Protocols. In Dolloerup, C. and Lindegaard, A. (eds.) *Teaching Translation and Interpreting: Insights, Aims, Visions*. Amsterdam: John Benjamins.
- Derakhshan Moghaddam, P. and Narenji, F. (1387/2009). Barrasi-ye Tarjomeha-ye Mokhtalef-e Qoran Be Zaban-e Almani (A Study of Different Translations of Qoran into German). *Pajoohesh-e Zabanha-ye Khareji* 52: 65-84.
- Dillinger, M. (1989). Compinent Process of Simultaneous Interpreting. Unpublished Ph.D. Dissertation; Department of Educational Psychology, McGill University.
- Ericson, K. A. (2006). Protocol Analysis and Expert thought: Concurrent Verbalizations of Thinking during Experts Performance on Representative Tasks. In Ericson, K. A., Charness, N., Feltovitch, P. J., and Hoffman, R. R. (eds.) *The Cambridge Handbook of Expertise and Expert Performance*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Farahzad, F. and Madani, F. (1388/2009). Ideoloji Va Tarjome: Motale-ye Moredi (Ideology and Translation: A case Study). *Translation Studies* 7 (26): 11-30.
- Gholami, S. and Madani, F. (1388/2009). Naghd-e Tarjome-ye Dastan-e Darsha-ye Faranse Az Didgah-e Nazariye-ye Sokhan Kavi: Barrasi-ye Sabk-e Lahn, Neshaneha-ye Sajavandi (Criticism of the Translation of "French Lessons" with a Discoursal Approach: Style, Intonation, and Punctuation Marks). *Pajoohesh-e Zabanha-ye Khareji* 52: 85-96.
- Gile, D. (1997). *Current Trends in Interpreting Research*. Amsterdam: John Benjamins.
- Grant, P. (1992). The Integration of theory and Practice in the Development of Summary Writing Strategies. Unpublished Ph.D. Dissertation: Department de linguistic et de traduction, Universite de Montreal.
- Hansen, G. (2005). Experience and Emotion in Empirical Translation Research with Think-Aloud and Retrospection. *Meta* 50 (2): 511-521.

- Hartman, D. (1990). *Eight Readers Reading: the Intertextual Links of Able Readers Using Multiple Passages*. Unpublished Ph.D. Dissertation: University of Pittsburgh, Penn.
- Hatim, B. (2001). *Teaching and researching translation*. Harlow: Pearson Education.
- Holmes, J. S. (1972/1988). *The Name and Nature of Translation Studies*, in Holmes, J. S. *Translated! Papers on Literary Translation and Translation Studies*, Amsterdam: Rodopi, 67-80.
- Hu, G. (2005). Translation Theory Development and Reflection: Taiwan as an Example. *Translation Studies Journal* 9: 109-126.
- Ijad, Gh. (1388/2009). Naghdi Pasa-Este'mari Bar Chegoonegi-ye Tarjome-ye Divan-e Hafez (A Postcolonial Criticism of the Translation of Hafiz). *Translation Studies* 7 (26): 47-62.
- Khanjan, A. and Mirza, Z. (1386/2007). Beynamatniyat Va Payamadha-ye Nazari-e An Dar Tarjome (Intertextuality and Its Theoretical Consequences in Translation). *Translation Studies* 5 (20): 5-29.
- Liao, B. (2007). Exploring the Status of Interpretation in Taiwan. *Translation Studies Bulletin*, 10: 189-217.
- Lorscher, W. (1991). *Translation Performance, Translation Process and Translation Strategies*. Tübingen, Gunter Narr.
- Mohammadi, A. (1388/2009). Rooykardi Ensanshenakhti Be Ta'amol-e Farhang Va Tarjome: Karbordha-ye Amoozeshi Va Pajoozeshi Baraye Tarbiat-e Motarjem (An Anthropological Approach to the Interaction of Culture and Translation: Pedagogical and Research Implications for Training Translators). *Translation Studies* 7 (26): 27-46.
- Prigogine, I. and Stengers, I. (1988). *Entre le Temps et l'Eternite*. Paris: Fayard.
- Sandrock, U. (1982). *Thinking-Aloud Protocols (TAPs) – Ein Instrument zur Dekomposition des Komplexen Prozesses "Übersetzen"*. Habilitationsschrift.
- Scardamalia, M. and Breiter, C. (1984). Development of Strategies in Text Processing. In Trabasso, M. (ed.) *Learning and the Comprehension of Text*. New York: Lawrence Erlbaum.
- Seguinot, C. (1989). The Translation Process: An Experimental Study. In Seguinot, C. (ed.) *The Translation Process*. Toronto: H. G. Publications.
- Shirvani, K. and Ranjbar, S. (1389/2010). Barrasi-e Rahbordha-ye Tarjome-ye Daneshjooyan-e Motarjemi-e Zabane-ye Englisi Ba Tekiye Bar Fekr Goei (A Study of the Translating Strategies of the Students of Translation Studies: A Think-aloud Protocol Analysis). *Translation Studies* 8 (29).

- Trikkonen-Condit, S. (1989). Professional vs., non-professional translation: a think-aloud protocol study. In Seguinot, C. (ed.) *The Translation Process*. Toronto: H. G. Publication.
- Williams, J. & Chesterman, A. (2002). *The map: A beginner's guide to doing research in translation studies*. Manchester: St. Jerome Publishing.
- Yuanliang, P. and Tang, J. (2007). An Analysis of Translation Studies Based on Word Frequency Statistics of the Three Core Translation Journals of China from 2001 to 2006. *Shanghai Translation*, 3: 19-22.

Archive of SID